

ਤੀਨ ਨੰਬਰ — ਹੈ ਕਰਦਾ ਸਥਾਪਤਿ ਨੂੰ ਦਰਸਨ ਰੋਮ

ایالات متحده و رؤیای نبوی: فراخوانی به مطالعه و فهم عمیق کتاب مقدسی

Jeff Pippenger

2024-07-14

در دو مقاله پیشین که به تفسیر خصوصی‌ای می‌پرداخت که مدعی است ایالات متحده آمریکا به واسطه «دزدان قوم تو» که «رؤیا را برپا می‌دارند» در دانیال فصل یازدهم آیه چهارده نمونه‌وار معرفی شده است، عبارتی از قلم الن وایت نقل کردیم که می‌گفت: «اعضای کلیسا، هر یک به طور فردی، آزموده و ثابت خواهند شد.» آن فرایند اثبات، آزمون، و غربال‌گری که در ملاکی فصل سه به صورت رسول عهد، در حال پاک ساختن نقره و طلا، به تصویر کشیده شده است، اکنون در جریان است. در ملاکی فصل سه، از یک تطهیر سخن گفته می‌شود.

او چون پالایند و تصفیه‌کننده نقره خواهد نشست؛ و پسران لاوی را طاهر خواهد ساخت و ایشان را همچون طلا و نقره پاک خواهد نمود، تا هدیه‌ای در عدالت به خداوند تقدیم کنند. آنگاه هدیه یهودا و اورشلیم نزد خداوند مقبول خواهد بود، چنان‌که در ایام قدیم و در سال‌های پیشین بود. ملاکی ۳:۳، ۴

کسانی که بر این عقیده پای می‌فشارند که ایالات متحده همان نمادی است که رؤیا را استوار می‌سازد، نتوانسته‌اند یا نخواسته‌اند درک کنند که پیامی که در ژوئیه ۲۰۲۳ از مهر گشوده شد، همان است که نامزدهای قرار گرفتن در شمار یکصد و چهل و چهار هزار را تطهیر می‌کند. در کنیسه کفرناحوم، تطهیر نهایی یکصد و چهل و چهار هزار به‌گونه‌ای نمادین به تصویر کشیده شد.

یسوع نے اُن سے صاف صاف کہا، 'تم میں بعض ایسے ہیں جو ایمان نہیں رکھتے؛' اور مزید فرمایا، 'اسی لیے میں نے تم سے کہا تھا کہ کوئی شخص میرے پاس نہیں آ سکتا، مگر یہ کہ میرے باپ کی طرف سے اسے عطا کیا گیا ہو۔' وہ چاہتے تھے کہ وہ یہ سمجھیں کہ اگر وہ اُن کی طرف کھنچے نہیں چلے آتے تو اس کا سبب یہ ہے کہ اُن کے دل روح القدس کے لیے کھلے نہیں ہیں۔ 'مگر نفسانی آدمی خدا کے روح کی باتیں قبول نہیں کرتا، کیونکہ وہ اُس کے نزدیک حماقت ہیں؛ اور نہ وہ انہیں جان سکتا ہے، اس لیے کہ اُن کی تمیز روحانی طور پر ہوتی ہے۔' 1 Corinthians 2:14. ایمان ہی کے وسیلے سے جان یسوع کے جلال کو دیکھتی ہے۔ یہ جلال پوشیدہ رہتا ہے، یہاں تک کہ روح القدس کے وسیلے سے جان میں ایمان روشن نہ کیا جائے۔

»با سرزنش علنی بی‌ایمانی ایشان، این شاگردان باز هم بیشتر از عیسی دور شدند. آنان سخت ناخشنود گشتند، و چون می‌خواستند منجی را بیازارند و بدخواهی فریسیان را خشنود سازند، به او پشت کردند و با تحقیر ترکش گفتند. آنان انتخاب خود را کرده بودند؛ صورت را بی‌روح، و پوست را بی‌مغز برگرفته بودند. تصمیم ایشان هرگز پس از آن بازگردانده نشد؛ زیرا دیگر با عیسی راه نرفتند.»

»که بادبیزنش در دست اوست، و او خرمنگاه خود را به کلی پاک خواهد ساخت، و گندم خویش را در انبار جمع خواهد کرد." متی ۳:۱۲. این یکی از زمان‌های پالایش بود. به وسیله کلمات حق، کاه از گندم جدا می‌شد. چون بسیاری بیش از حد باطل‌اندیش و خودعادل‌پندار بودند تا توبیخ را بپذیرند، و بیش از حد دنیا دوست بودند تا زندگی فروتنی را قبول کنند، از عیسی روی برتافتند. بسیاری هنوز نیز همین کار را می‌کنند. امروز جان‌ها آزموده می‌شوند، همان‌گونه که آن شاگردان در کنیسه کفرناحوم آزموده شدند. هنگامی که حقیقت به دل آورده می‌شود، می‌بینند که زندگی‌شان مطابق اراده خدا نیست. نیاز به تغییری کامل در خود می‌بینند؛ اما حاضر نیستند آن کار

از خود گذشته را بر عهده گیرند. از این رو، هنگامی که گناهانشان آشکار می‌شود، خشمگین می‌گردند. آزرده‌خاطر رفته، دور می‌شوند، چنان‌که شاگردان نیز با غرولند عیسی را ترک کردند و گفتند: «این سخن سخت است؛ چه کسی می‌تواند آن را بشنود؟» آرزوی اعصار، ۳۹۲.

به وسیله «کلمات حقیقت»، طلای و نقره تمثیل ملاکی از تطهیر نهایی هیکل، یعنی پاک‌سازی صد و چهل و چهار هزار نفر، نمایانده شده بود.

اینک، اُرسلُ ملاکی، فیهیَّ الطريقَ أمامی؛ ویأتی بغتةً إلی هیکله السید الذي تطیبونه، وملاکُ العهد الذي تُسرون به؛ هانذا یأتی، قال رب الجنود. ولكن من یحتمل یوم مجیئه؟ ومن یثبت عند ظهوره؟ لانه مثل نار الممحص، ومثل أشنان القصارین. ملاخی 3: 1، 2.

همه انبیا، از جمله ملاکی، ایام آخر را مشخص می‌کنند. در نخستین این مقالات که به آن استناد کردیم، یعنی The 1888 Materials، صفحه 403، به ما گفته می‌شود: «آن‌که با معرفت کنونی ناقص خود از کتب مقدس قانع و خشنود می‌نشیند و آن را برای نجات خویش کافی می‌پندارد، در فریبی مهلک آرام گرفته است. بسیاری هستند که به دلایل کتاب مقدسی به طور کامل مجهز نیستند، تا بتوانند خطا را تشخیص دهند و هر سنت و خرافه‌ای را که به عنوان حقیقت قالب کرده‌اند، محکوم سازند.» کسانی که در همان عبارت معرفی شده‌اند، «شاگردان دقیق کتاب مقدس نیستند» و «آیات کتاب مقدس» را، در جاهایی که «اختلاف نظر» وجود دارد، «با هدفی معین مطالعه نکرده‌اند». مخاطبان این سخن، «کتاب مقدس را [برای آن] نمی‌خوانند که مغز و فربهی آن را برای جان‌های خویش برگیرند. آنان احساس نمی‌کنند که این، صدای خداست که با ایشان سخن می‌گوید. اما اگر بخواهیم طریق نجات را دریابیم، اگر بخواهیم پرتوهای آفتاب عدالت را ببینیم»، آنان «باید کتب مقدس را با هدفی معین مطالعه کنند».

در مقاله نخست مشخص شد که یکی از اجزای الگوی نبوتی گمراه‌کننده ایشان، عبارتی از کتاب The Great Controversy است که ثبت می‌کند: «615 in the Old World and apostate Protestantism will pursue a similar course toward those who honor all the divine precepts.» The Great Controversy, 615 تفسیر خصوصی آنان مدعی است که این جمله «Romanism» را به عنوان تاریخ گذشته و «Protestantism» را به عنوان جهان معاصر معرفی می‌کند. پس از آنکه شواهد دستوری نشان داد کاربردی که ایشان از این جمله می‌کنند از معنای صحیح آن تحریف شده است، هیچ پس‌گرفتن علنی این کاربرد نادرست از سوی آنان ارائه نشد. در واقع، همان عبارت را برای تبلیغ نشست بعدی زوم خود به کار بردند. با این حال، به ما گفته شده است که «truth ought to impress upon all the necessity of inquiring diligently into divine truth, that they may know that they do know what is truth» هیچ تلاشی برای پس‌گرفتن این ادعای نادرست صورت نگرفت، و این امر ظاهراً شاهدهی است بر اینکه کسانی که این کاربرد نادرست را ترویج می‌کنند، برای «truth» «what is truth» به گونه‌ای «diligently» «diligently» عمل نمی‌کنند.

از آغاز این مناقشه، ما به آن چنان نزدیک شده‌ایم که گویی این امر چیزی بیش از صرف اختلافی میان حقیقت و خطا درباره این است که «دزدان قوم تو» به چه کسانی اشاره دارد؛ و من هنوز نیز بر همان موضع پایدارم. مقالات مربوط به کتاب دانیال، تا شماره دویست، به نقطه‌ای رسیده بود که در آن اهمیت آیات سیزدهم تا پانزدهم دانیال یازده به طور استوار بیان شده بود. این آیات، تاریخ را از سال ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد و در آیه چهل دانیال یازده وجود دارد، به تصویر می‌کشند.

هم آس تاریخ کو آیت چالیس کی مخفی تاریخ کے طور پر شناخت کرتے رہے ہیں۔ ہم یہ بھی متعین کر چکے ہیں کہ جب سسٹر وائٹس یہ فرماتی ہیں کہ «جو کتاب مہر بند تھی وہ مکاشفہ نہیں، بلکہ دانی ایل

کی نبوت کا وہ حصہ ہے جو آخری ایام سے متعلق ہے، "تو دانی ایل باب گیارہ آیت چالیس کی مخفی تاریخ ہی "دانی ایل کی نبوت کا وہ حصہ" ہے۔ آیات تیرہ سے پندرہ اُس نبوتی سچائی کی نمائندگی کرتی ہیں جو آخری ایام میں غیر مہر بند کی جاتی ہے۔ لہذا یہ تینوں آیات مکاشفہ کی اُس کتاب میں، جو مہلت آزمائش کے اختتام سے ذرا پہلے غیر مہر بند کی جاتی ہے، "یسوع مسیح کا مکاشفہ" اور "سات گرجیں" دونوں کے طور پر بھی پیش کی گئی ہیں۔ جب سسٹر وائٹ "کتاب دانی ایل کے اُس حصہ" کا حوالہ دیتی ہیں، تو وہ اقتباس جس میں یہ بیان واقع ہے، یوں کہتا ہے:

«هیچ کس چنین مپندارد که چون نمی‌تواند معنای هر نمادِ مکاشفہ را توضیح دهد، پس برای او بی‌فایده است که این کتاب را در تلاش برای شناخت معنای حقیقتی که در آن نهفته است، بجوید. آن یگانه‌ای که این اسرار را بر یوحنا مکشوف ساخت، به جوینده کوشای حقیقت، پیش‌چشیدنی از امور آسمانی عطا خواهد کرد. آنان که دل‌هایشان به روی پذیرش حقیقت گشوده است، قادر خواهند شد تعالیم آن را درک کنند، و آن برکتی را خواهند یافت که به کسانی وعده داده شده است که «کلمات این نبوت را می‌شنوند و آنچه را که در آن نوشته شده است نگاه می‌دارند.»

«در مکاشفہ، همه کتاب‌های کتاب مقدس به هم می‌رسند و پایان می‌یابند. در اینجا متمم کتاب دانیال است. یکی نبوت است؛ دیگری مکاشفہ. کتابی که مہر شدہ بود، مکاشفہ نیست، بلکہ آن بخش از نبوت دانیال است کہ به ایام آخر مربوط می‌شود. فرشتہ فرمان داد: "اما تو، ای دانیال، کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مہر کن." دانیال ۱۲:۴. اعمال رسولان، ۵۸۴، ۵۸۵.

لفظ «مُکَمِّل» به معنای به کمال رساندن است. آن بخش از کتاب دانیال که به ایام آخر مربوط می‌شود و در زمان آخر مہرگشایی می‌گردد، ہنگامی کہ «سطر بر سطر» با «مکاشفہ عیسی مسیح» و «ہفت رعد» در کنار ہم نہادہ شود، بہ کمال می‌رسد. این سہ نمود، همان پیامی ہستند کہ مہرگشایی شدہ است، و از این رو نمایانگر «کلمات حق» می‌باشند کہ برای «پاک ساختن» صد و چہل و چہار ہزار تن در تطہیر نہایی ہیکل در ملاکی بہ کار گرفتہ می‌شوند؛ چنان کہ در آیات سیزدہ تا پانزدہ دانیال یازدہ بہ تصویر کشیدہ شدہ است. آیہ میانی، همان آیہ‌ای است کہ در آن جدال کنونی بہ تصویر درآمدہ است، و از این حیث، نمایانگر همان جدال عیناً یکسانی است کہ میلری‌ها در تاریخ نبوی خویش با آن روبہ رو شدند.

.Sostener que los "ladrones de tu pueblo" del versículo catorce son los Estados Unidos es un paralelo perfecto con los protestantes de la historia millerita que afirmaban que los ladrones representaban a Antíoco Epífanés. La controversia purgará la escoria del oro y de la plata, pero el asunto más importante es que se ha permitido que la controversia conduzca a aquellos representados por los levitas de Malaquías capítulo tres a estudiar más profundamente que nunca antes la Palabra profética de Dios. El "Hombre del cepillo para el polvo" del sueño de William Miller está ahora barriendo fuera del aposento las monedas y joyas falsificadas, en anticipación de Su obra de volver a reunir las joyas genuinas en un orden perfecto que brilla diez veces más que el sol

شجرہ تہ د رامن ختہ کبدو اجازہ ورکړل شوه تر څو ہماغہ کار تر سرہ شي، څ کہ مور تہ خبر راکړل شوی دی چې: «خدای به خپل قوم راوی‌نښ کړي؛ که نورې لارې ناکامې شي، بدعتونه به د دوی په منځ کې را ننوځي، چې هغوی به وځني او وبه یې ازمېږي، او بوس به له غنمو څخه بېل کړي. څښتن پر ټولو هغو چې د هغه په کلام ایمان لري غږ کوي چې له خوبه راوی‌نښ شی. قیمتي رڼا راغلې ده، چې د همدې وخت لپاره مناسبه ده. دا د انجیل حقیقت دی، چې هغه خطرونه څرگندوي چې همدا اوس پر مور را برسېره دي. دا رڼا باید مور د صحیفو زیارک‌نښ مطالعې او د هغو دری‌ځونو تر ټولو کره ارزونې ته راوبولي چې مور یې نیولي دي. خدای غواړي چې د حقیقت ټول اړخونه او

دری‌خونه په بشپړ ډول او په ټینګه، له دعا او روژې سره، وپلټل شي. مؤمنان باید د اټکلونو او د هغو ناڅرګندو مفکورو په منځ کې آرام ونه کړي چې حقیقت څه شی جوړوي.»

وه "بدعتی" جنهیی وه اینه سوئے بوئے مقدسین کو بیدار کړنۍ کۍ لیه اجازت دیتاۍ اور کام میں لاتاۍ، "قدیم منازعات" بیی۔

«در تاریخ و نبوت، کلام خداوند کشمکش دیرپای میان حقیقت و خطا را به تصویر می‌کشد. این کشمکش هنوز هم ادامه دارد. آنچه پیش‌تر بوده است، تکرار خواهد شد. مجادلات کهن دوباره زنده خواهند شد، و نظریه‌های تازه پیوسته سر برخواهند آورد. اما قوم خدا، که در ایمان خود و در تحقق نبوت، در اعلام پیام‌های فرشته اول، دوم، و سوم سهمی ایفا کرده‌اند، می‌دانند که جایگاهشان کجاست. آنان تجربه‌ای دارند که از طلای ناب گرانباتر است. ایشان باید همچون صخره‌ای استوار بایستند و آغاز اطمینان خود را تا پایان، استوار نگاه دارند.» Selected Messages, book 2, 109

مناقشه دربارهٔ «یاغیان قوم تو» مناقشه‌ای کهن از تاریخ میلری است، که همان «ابتدای اطمینان ایشان» است که به آنان گفته شده آن را «تا پایان استوار نگاه دارند». «ابتدای» «اطمینان» آن یک‌صد و چهل و چهار هزار، همان حقایق بنیادی است که بر نمودارهای پیشگامان ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ به تصویر کشیده شده است.

«دشمن می‌کوشد ذهن‌های برادران و خواهران ما را از کار آماده ساختن قومی برای ایستادن در این ایام آخر منحرف سازد. سفسطه‌های او برای آن طرح شده‌اند که اذهان را از خطرات و وظایف این ساعت دور کنند. آنان نوری را که مسیح از آسمان آمد تا به یوحنا برای قوم خود عطا کند، هیچ می‌شمارند. تعلیم می‌دهند که صحنه‌هایی که درست در برابر ما قرار دارند، از آن اندازه اهمیت برخوردار نیستند که شایسته توجهی خاص باشند. حقیقت دارای منشأ آسمانی را بی‌اثر می‌سازند و قوم خدا را از تجربه گذشته‌شان محروم می‌کنند و به جای آن، دانشی کاذب به ایشان می‌دهند.»

«خداوند چنین می‌فرماید: در راه‌ها بایستید و بنگرید، و از راه‌های کهن بپرسید که راه نیکو کدام است، و در آن سلوک کنید.»

«هئ‌چ‌که‌س هه‌وَل نه‌دات بن‌ه‌ماکانی باوه‌پرمان به‌ته‌واوی هه‌ل‌بکه‌ن‌ئ‌ت—ئ‌ه‌و بن‌ه‌مایان‌ه‌ی که له سه‌ره‌تای کاری خو‌ماندا، به له‌ئ‌کول‌پنه‌وه‌ی نوئ‌ژاوی له وش‌ه‌ی خودا و به وه‌حی دانرابوون. له‌س‌ه‌ر ئ‌ه‌م بن‌ه‌مایان‌ه‌دا ئ‌ه‌م له ماوه‌ی په‌نجا سالی رابردوودا بنیادنان ده‌ک‌ه‌ین. مروّف‌ه‌کان له‌وان‌ه‌ی و بزائن که پرئ‌گای‌ه‌کی نوئ‌یان دۆ‌زیوه‌ته‌وه، و ده‌توان بن‌ه‌مای‌ه‌کی به‌ه‌ئ‌زتر له‌وه‌ی دانراوه دابن‌ئ‌ن. به‌لام ئ‌ه‌م هه‌ل‌ه‌چوون‌ئ‌کی گه‌وره‌ی. هئ‌چ که‌س ناتوان‌ئ‌ت بن‌ه‌مای‌ه‌کی تر دابن‌ئ‌ت جگه له‌و بن‌ه‌مای‌ه‌ی که دانراوه.»

«در گذشته بسیاری به بنای ایمانی نو و استقرار اصولی تازه دست یازیده‌اند. اما بنای ایشان تا چه مدت پابرجا ماند؟—به‌زودی فرو ریخت، زیرا بر صخره استوار نشده بود.»

«آیا نخستین شاگردان ناگزیر نبودند با گفته‌های انسان‌ها روبه‌رو شوند؟ آیا ناچار نبودند به نظریه‌های باطل گوش فرا دهند، و سپس، پس از آنکه هر آنچه در توان داشتند انجام دادند، استوار بایستند و بگویند: "هیچ‌کس نمی‌تواند بنیادی جز آنچه نهاده شده است، بگذارد؟"»

«پس باید آغاز اطمینان خود را تا به انتها استوار نگاه داریم. کلمات قدرت از جانب خدا و از سوی مسیح برای این قوم فرستاده شده است تا آنان را، نکته به نکته، از جهان بیرون آورده، به روشنایی واضح حقیقت حاضر رهنمون شود. خادمان خدا با لب‌هایی که به آتش مقدس لمس شده بود، این پیام را اعلام کرده‌اند. کلام الهی مهر خود را بر اصالت حقیقت اعلام‌شده نهاده است.» Review

»راہِ ہای قدیم« در ارمیا همان »بنیادہایی« هستند کہ »در آغاز کار ما نہادہ شدند.« آن حقایق »بر صخرہ« بنا شدہ بودند، و در تاریخ میلریت، آن حقایق بنیادی همان پیام »حقیقتِ حاضر« بود کہ در سالہای 1842، 1843 و 1844 اعلام شد.

”خدا شما را یاری دہد تا سخنانی را کہ گفتہام بپذیرید. آنان کہ بہ عنوان دیدہ بانان خدا بر حصارہای صہیون ایستادہ اند، باید مردانی باشند کہ بتوانند خطرات را پیش از آن کہ بر مردم فرود آید ببینند—مردانی کہ بتوانند میان حق و باطل، پارسایی و ناراستی تمیز دہند.

”یہ تنبیہ آچکی ہے: کسی ایسی چیز کو اندر آنے کی اجازت نہ دی جائے جو اُس ایمان کی بنیاد کو متزلزل کرے جس پر ہم اُس وقت سے تعمیر کرتے آئے ہیں جب 1842، 1843، اور 1844 میں یہ پیغام آیا۔ میں اس پیغام میں شامل تھی، اور اُس وقت سے لے کر اب تک میں دنیا کے سامنے اُس نور کے ساتھ وفادار کھڑی رہی ہوں جو خدا نے ہمیں دیا ہے۔ ہم یہ ارادہ نہیں رکھتے کہ اُس چبوترے سے اپنے پاؤں ہٹا لیں جس پر وہ اُس وقت رکھے گئے تھے جب ہم روز بروز سنجیدہ دعا کے ساتھ خداوند کے طالب ہوتے تھے اور نور کی جستجو کرتے تھے۔ کیا تم سمجھتے ہو کہ میں اُس نور کو ترک کر سکتی ہوں جو خدا نے مجھے دیا ہے؟ وہ ازلی صخرہ کے مانند ہونا چاہیے۔ جب سے وہ مجھے دیا گیا ہے، وہ میری راہنمائی کرتا آیا ہے۔ اے بھائیو اور بہنو، خدا زندہ ہے اور بادشاہی کرتا ہے اور آج بھی عمل کر رہا ہے۔ اُس کا ہاتھ پہلے پرے، اور اپنی مشیت میں وہ پہلے کو اپنی ہی مرضی کے مطابق گھما رہا ہے۔ آدمی اپنے آپ کو دستاویزات کے ساتھ نہ باندھیں، یہ کہتے ہوئے کہ وہ کیا کریں گے اور کیا نہیں کریں گے۔ بلکہ وہ اپنے آپ کو آسمان کے خداوند خدا کے ساتھ باندھیں۔ تب آسمان کا نور جان کے ہیکل میں چمکے گا، اور ہم خدا کی نجات کو دیکھیں گے۔“ Review and Herald, April 14, 1903.

پیامی کہ »در سالہای 1842، 1843 و 1844« اعلام شد، همان پیامی است کہ بر روی چارت پیشگام 1843 پہ تصویر کشیدہ شدہ است۔ در ماہ مہ 1842، سیصد نسخہ از چارت 1843 چاپ شد۔ الن وایت و ہمہ پیشگامان شہادت دادند کہ آن چارت تحقق فرمان باب دوم حقوق بود کہ رؤیا را بنویسند و آن را بر لوحها روشن و آشکار سازند۔ در همان تاریخ، سیصد واعظ میلریتی وجود داشت، و مورخان SDA بر این واقعیت گواہی می دہند کہ ہمہ آنان از چارت 1843 استفادہ می کردند۔

چہ چیزی کسی را بر آن می دارد کہ ادعا کند شناسایی پیشگامان از روم بہ عنوان »غارتگران قوم تو«، آن گونہ کہ بر نمودار نشان دادہ شدہ است، نادرست است؟ چہ چیزی کسی را بر آن می دارد کہ آن ادعا را بپذیرد؟ با این ہمہ، چہ چیزی ما را—کہ ادعا می کنیم فہم پیشگامان را می پذیریم کہ روم با تعبیر »غارتگران قوم تو« نمادپردازی شدہ است—فرا می گیرد، در حالی کہ در واقع خود قادر نیستیم آن فہم را برای خویش دفاع کنیم؟

در مقالہ نخست، عبارت زیر را نقل کردیم:

»انسان ہر قدر ہم از لحاظ فکری پیشرفت کردہ باشد، مبدا حتی برای لحظہای بیندیشد کہ دیگر نیازی بہ بررسی ژرف و پیوستہ کتب مقدس برای دریافت نور بیشتر نیست۔ ما، بہ عنوان قومی، فراخواندہ شدہ ایم کہ ہر یک بہ طور فردی شاگرد نبوت باشیم۔ باید با جدیت بیدار و مراقب باشیم تا ہر پرتو نوری را کہ خدا بہ ما عرضہ خواہد کرد، تشخیص دہیم۔« شہادت ہا، جلد ۵، ص. ۷۰۸.

من ادعا می کنم کہ »نوری کہ خدا« اکنون »بہ ما« عرضہ می کند این است کہ ما ہنوز بہ طور کامل نسبت بہ مسئولیت خود برای درک شخصی پانزدہ آیہ نخست دانیال یازدہ بیدار نشدہ ایم، و نیز نفہمیدہ ایم کہ آیات سیزدہ تا پانزدہ همان فصل، بیانگر حقایقی است کہ تطہیر نہایی و مہر شدن صد و چہل و چہار ہزار نفر را بہ انجام می رساند۔ اگر در ہمین تاریخ ہیچ بدعتی وارد نشدہ بود، این

امر دلیلی می‌بود بر اینکه ما کاملاً بیداریم. اما این مجادله خلاف آن را ثابت می‌کند.

«این واقعیت که در میان قوم خدا هیچ جدال یا جنب‌وجوشی وجود ندارد، نباید به‌عنوان دلیل قاطع بر این تلقی شود که ایشان به آموزه صحیح استوار چسبیده‌اند. جای آن هست که بیم داشته باشیم که آنان میان حقیقت و خطا به‌روشنی تمییز نمی‌نهند. هرگاه با بررسی کتب مقدس هیچ مسئله تازه‌ای مطرح نشود، و هیچ اختلاف نظری پدید نیاید که مردم را برانگیزد تا خودشان کتاب مقدس را بجویند تا یقین کنند که حقیقت را در اختیار دارند، در آن هنگام بسیاری خواهند بود که اکنون نیز، همانند روزگاران باستان، به سنت پایبند می‌مانند و آنچه را نمی‌دانند چیست، عبادت می‌کنند...»

«خدا قوم خود را برخواهد انگیزد؛ و اگر وسایل دیگر کارگر نیفتد، بدعت‌ها در میان ایشان راه خواهد یافت که آنان را غربال کند و گاه را از گندم جدا سازد. خداوند همه کسانی را که به کلام او ایمان دارند فرامی‌خواند که از خواب بیدار شوند. نور گران‌بهای آمده است که مناسب این زمان است. این نور، حقیقت کتاب مقدسی است که خطراتی را که درست در برابر ما قرار دارند آشکار می‌سازد. این نور باید ما را به مطالعه‌ای جدی و پیگیر کتب مقدس و به دقیق‌ترین بررسی مواضعی که بر آن‌ها ایستاده‌ایم رهنمون شود. خدا می‌خواهد که همه جوانب و مواضع حقیقت، با دعا و روزه، به‌طور کامل و استوار بررسی و کاوش شوند. ایمانداران نباید در گمان‌ها و تصورات مبهم درباره آنچه حقیقت را تشکیل می‌دهد آرام گیرند. ایمان ایشان باید استوارانه بر کلام خدا بنا شده باشد، تا هنگامی که زمان آزمایش فرا رسد و آنان برای پاسخ‌گویی درباره ایمان خویش به حضور شوراها برده شوند، بتوانند با حلم و ترس، دلیلی برای امیدی که در ایشان است ارائه کنند.

«تکان دهید، تکان دهید، تکان دهید. موضوعاتی که ما به جهان عرضه می‌کنیم، باید برای ما حقیقتی زنده باشند. مهم است که در دفاع از تعالیمی که آن‌ها را اصول اساسی ایمان می‌دانیم، هرگز به خود اجازه ندهیم از استدلال‌هایی استفاده کنیم که به‌تمامی استوار و صحیح نیستند.»
شهادت‌ها، جلد ۵، ۷۰۸.

جیسے جیسے ہم خدا کے لوگوں کے لٹیروں کے اس مطالعہ میں آگے بڑھتے ہیں، ہم یہ ظاہر کریں گے کہ دانی ایل گیارہ کی آیت چودہ پر پروٹسٹنٹوں اور میلرائیٹوں کے درمیان جو استدلال تھا، وہ بعینہ اسی استدلال کے مانند ہے جو نئی اور نجی تعبیر کے درمیان پایا جاتا ہے کہ رؤیا کو قائم کرنے والی روم نہیں بلکہ ریاستہائے متحدہ ہے۔ یہ موقف کہ The Great Controversy عبارت "world" "world" کو ماضی کی تاریخ کی تعیین کے لیے استعمال کرتی ہے، ایک "idea" "ill-defined idea" اور یہ ایسے "sound that is not wholly sound" کی ایک مثال ہے۔

آنان کہ از این عبارت برای تأیید پندار خود بهره برده‌اند که میلری‌ها در شناسایی روم به‌عنوان «غارتگران قوم تو» در اشتباه بوده‌اند، باید وظیفه مسیحی خویش را به‌جا آورند و ادعای خود را آشکارا پس بگیرند، زیرا این ادعا از نظر دستوری و تاریخی قابل دفاع نیست. و شما که در حاشیه این مناقشه نشستہ‌اید، مسئولید که کلام حق را به‌درستی تقسیم کنید، زیرا شما خوانده شده‌اید تا شخصی باشید که شاگرد نبوت است، نه پیرو اندیشه انسانی.

مردم کلام مقدس را به زیان هلاکت خویش تحریف می‌کنند.

و بردباری خداوند ما را نجات بداند؛ چنان‌که برادر محبوب ما پولس نیز بر حسب حکمتی که به او عطا شده است به شما نوشته است؛ همان‌گونه که در همه رساله‌های خود نیز از این امور سخن می‌گوید؛ که در آنها بعضی مطالب دشوارفهم است، و مردمان نادان و ناپایدار آنها را، چنان‌که سایر کتب مقدس را نیز، تحریف می‌کنند تا هلاکت خویش را پدید آورند. پس شما، ای عزیزان،

چون این امور را از پیش می‌دانید، برحذر باشید مبادا شما نیز، به سبب گمراهی شیریان، از استواری خود فرو افتید. بلکه در فیض و در معرفت خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح رشد کنید. او را هم‌اکنون و تا ابد جلال باد. آمین. دوم پطرس ۱۵:۳-۱۸.

پطرس بیان می‌دارد که این «نادانان و ناپایداران» هستند که کتب مقدس را «تحریف می‌کنند» «برای هلاکت خویش». در هماهنگی با این حقیقت، خواهر وایت بارها به ما هشدار می‌دهد که خودمان به مطالعه بپردازیم. اگر مسئولیت خود را در شاگرد بودن نبوت به‌جا نمی‌آوریم، خود هلاکت خویش را رقم می‌زنیم.

این دزدان قوم تو هستند که رؤیا را برقرار می‌سازند، و سلیمان تصریح می‌کند که هر جا رؤیا نباشد، قوم هلاک می‌شوند.

جایی که رؤیا نباشد، قوم هلاک می‌شود؛ اما خوشا به حال آن‌که شریعت را نگاه می‌دارد. امثال 29:18.

یکی از معانی «هلاک شدن» این است که برهنه ساخته شود. هر جا که از رؤیا برداشتی نادرست وجود داشته باشد، این امر بر این واقعیت مبتنی است که نمادی که رؤیا را برقرار می‌سازد فهمیده نشده است، یا به نادرستی فهمیده شده است. در میان کسانی بودن که در هشدار سلیمان هلاک می‌شوند، یعنی تضمین کردن آن برهنگی‌ای که به وسیله لائودیکیانی نمایانده شده است که در قانون یکشنبه قریب‌الوقوع از دهان خداوند بیرون افکنده می‌شوند. چرا باید اندیشه‌ای را بپذیریم که معنای روشن اظهارات خواهر وایت درباره جهان قدیم و جهان جدید را بد عرضه می‌کند، و آن شناسایی میلی‌ری را رد می‌کند که این روم است که رؤیا را برقرار می‌سازد؛ همان امری که به‌طور مستقیم در نمودار ۱۸۴۳ بازنمایی شده بود، که حقایق بنیادی آدونتیسم را نمایندگی می‌کند، و همان مسیح، صخره اعصار، است که در همه تصویرگری‌های مقدس مربوط به بنیادها بازنمایی شده است؟

«اما هر بنایی که بر بنیادی جز کلام خدا برپا شود، فرو خواهد ریخت. هر که، همچون یهودیان در روزگار مسیح، بر بنیاد اندیشه‌ها و آراء بشری، یا صورت‌ها و مراسمی که ساخته اختراع انسان است، یا بر هر عملی که بتواند مستقل از فیض مسیح انجام دهد بنا کند، در حقیقت بنای شخصیت خویش را بر شن‌های روان برپا می‌سازد. توفان‌های سهمگین و سوسه آن بنیاد شنی را جاروب خواهند کرد و خانه او را ویرانه‌ای بر کرانه‌های زمان بر جای خواهند گذاشت.»

«پس خداوند یهوه چنین می‌فرماید: ... و انصاف را بر میزان، و عدالت را بر شاغول خواهیم نهاد؛ و تگرگ، پناهگاه دروغ را خواهد رویید، و آب‌ها مخفیگاه را فرا خواهد گرفت.» اشعیا 28:16، 17

«اما امروز رحمت به گناهکار التماس می‌کند. "به حیات خودم، می‌گویم خداوند یهوه، که از مرگ شریر مسرور نمی‌شوم، بلکه از این‌که شریر از راه خود بازگردد و زنده بماند؛ بازگردید، بازگردید از راه‌های بد خویش، زیرا چرا باید بمیرید؟" حزقیال ۳۳:۱۱. آن صدایی که امروز با توبه‌ناپذیر سخن می‌گوید، صدای همان کسی است که در اندوه جان فریاد برآورد، آنگاه که شهر محبوب خویش را می‌نگریست: "ای اورشلیم، ای اورشلیم، که انبیا را می‌کشی و رسولان فرستاده‌شده به سوی خود را سنگسار می‌کنی! چند بار خواستم فرزندان را گرد آورم، چنان‌که مرغ، جوجه‌های خود را زیر بال‌های خویش جمع می‌کند، و شما نخواستید! اینک خانه‌تان به حال ویرانی برای شما واگذاشته می‌شود." لوقا ۱۳:۳۴، ۳۵، R.V. در اورشلیم، عیسی نمادی از جهانی را دید که فیض او را رد کرده و خوار شمرده بود. ای دل سرکش، او برای تو می‌گریست! حتی هنگامی که اشک‌های عیسی بر آن کوه فرو می‌ریخت، اورشلیم هنوز می‌توانست توبه کند و از فرجام شوم خویش بگریزد. برای زمانی اندک، عطیه آسمان هنوز در انتظار پذیرش او بود. همچنین، ای دل، مسیح هنوز با آهنگ‌های محبت با تو سخن می‌گوید: "اینک بر در ایستاده می‌کوبم؛ اگر کسی آواز مرا بشنود و

در را بگشاید، به نزد او درخواهم آمد و با او شام خواهم خورد، و او نیز با من." "اینک اکنون زمان مقبول است؛ اینک اکنون روز نجات است." مکاشفه ۳:۲۰؛ دوم قرنتیان ۶:۴»

«شما که امید خود را بر خویشتن متکی ساخته‌اید، بر شن بنا می‌کنید. اما هنوز برای گریختن از هلاکت در شرف وقوع دیر نشده است. پیش از آنکه توفان برخیزد، به سوی آن بنیان استوار بگریزید. "خداوند یهوه چنین می‌گوید: اینک من در صهیون سنگی را برای بنیاد می‌نهم، سنگی آزموده، سنگ زاویه‌ای گران‌بها، با بنیادی استوار؛ هر که ایمان آورد، شتابان نخواهد شد." "به من بنگرید و نجات یابید، ای تمامی کران‌های زمین؛ زیرا من خدا هستم و دیگری نیست." "مترس، زیرا من با تو هستم؛ هراسان مباش، زیرا من خدای تو هستم؛ تو را تقویت خواهم کرد؛ آری، تو را یاری خواهم داد؛ آری، تو را به دست راست عدالت خویش نگاه خواهم داشت." "شما تا ابد خجل و سرافکنده نخواهید شد." اشعیا ۲۸:۱۶، R.V.؛ ۴۵:۲۲؛ ۴۱:۱۰؛ ۴۵:۱۷. Thoughts from the

Mount of Blessing, 150–152

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.